

فردریش روکرت

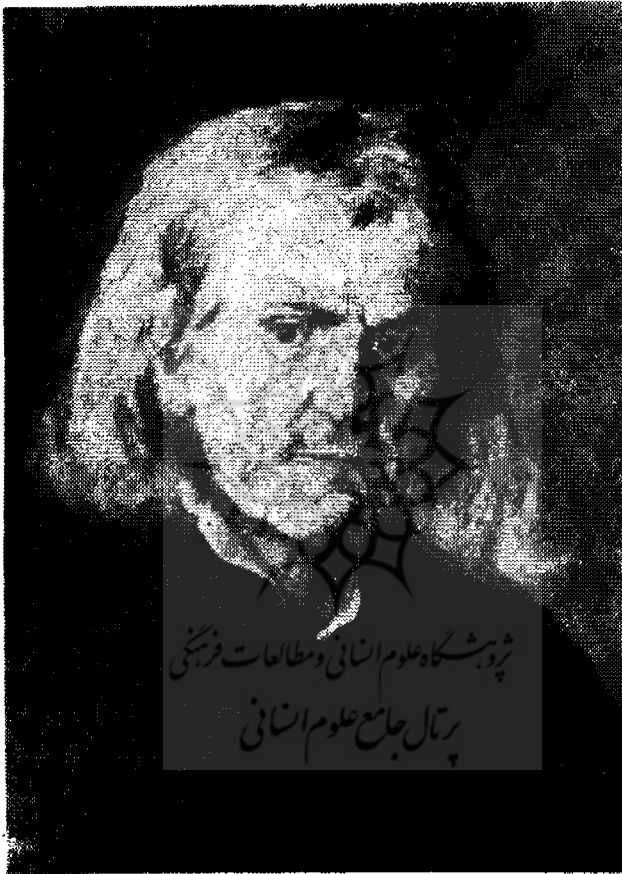
در همان سال که شاعر بزرگ آلمانی کوتاه دیوان شرقی غربی خود را تصنیف نمود و شرق شناس نامور اطریشی هامر پورگستال تاریخ ادبیات ایران را نشر کرد، یعنی در سال ۱۸۱۸، یک شاعر جوان و گشاده زبان آلمانی به شهر وین آمد و به تحصیل زبانهای شرقی آغاز کرد. نام این جوان که پس از هفته‌های معدودی با عربی و فارسی و مختصری ترکی آشنائی پیدا کرد فردریش روکرت بود.

روکرت در سال ۱۷۸۸ در شهر شفاپینفورت متولد شد و به تحصیل زبانهای باستانی پرداخت. سپس در جنگهای آزادی آلمان (۱۸۱۳) شرکت جست و پیش از عزیمت به وین با اشعار وطن پرستانه و مؤثر خود شهرت یافت. پس از عودت از دانشگاه وین به وطن خویش، این شاعر زبان شناس در شهری کوچک در ولایت بافارای شمالی انزواگزید. از آن زمان تا زمانی که زندگی را بدرود گفت بلاانقطاع به ترجمه آثار ادبی متجاوز از چهل زبان علی الخصوص از فارسی و عربی و زبانهای هندوستان اشتغال داشت.

در سال ۱۸۲۶ روکرت بسمت استاد زبانهای شرقی در دانشکده ارلانگن برگزیده شد. پس از آن سال ۱۸۴۱ تا سال ۱۸۴۸ در دانشگاه برلین تدریس عربی و فارسی را بعهده داشت. درین ایام مشاغل علمی از یکسو و شاعری از سوی دیگر همه وقت او را مصروف می‌داشت. از نسخه‌های خطی هر چه او را خوش می‌آمد رونویس می‌کرد و اشاری را که می‌پسندید در جامعه شعر دلکش آلمانی دوباره عرضه می‌کرد. تا آنکه در ۳۱ ژانویه ۱۸۶۶ روح وی از قفس تن پرواز کرد و به جهان ابدی رفت.

روکرت با بکار بردن قریحه شاعری و استعداد علمی خود ... موهبت

دو گانه‌ای که ندرهٔ به این کمال در یک تن جمع می‌شود - ترجمه‌های منظوم و فنا ناپذیر و درخور تحسینی در زبان آلمانی به وجود آورد. درین ترجمه‌ها نه تنها معنی متون اصل را دقیقاً رعایت کرده ، بلکه حتی المقدور رعایت دقیق شکل اشعار و خصوصیات دیگر آنها را نیز نصب‌العین خود قرار داده است .



روکوت

در میان ترجمه‌هایی که این شاعر دانشمند از زبان عربی کرده است به ذکر اشعار « کتاب الحماسه » ، « معلقات » و « دیوان امرء القیس » اکتفا می‌کنیم که ترجمهٔ منظوم آنها همه با قافیه و مطابق بحر اصلی انجام گرفته . ترجمهٔ روکوت از « مقامات حریری » را که با رعایت سجع و وزن و هنرهای بدیعی دیگر بعمل آمده شاید بتوان زیباتر و نفز تر از اصل عربی شمرد .

در ترجمه هائی که این شاعر استاد از زبانهای هندوستان بعمل آورده نیز باید گفت که ترجمه‌های منظومی خوب‌تر و کامل‌المیاریتر از آنها نمیتوان تصور کرد.

اما با وجود این تراجم منظومی که متجاوز از صد هزار بیت است شهرت اصل روکرت نتیجه ترجمه هائی است که از زبان فارسی بزبان مادری خود به عمل آورده .

در سال ۱۸۲۰ روکرت مجموعه دلاویزی از غزلهای بنام مولانا جلال الدین رومی شامل چهل و چهار غزل نشر کرد . گرچه این رساله را نمیتوان ترجمه حقیقی شمرد - زیرا قسمتی از آنها مستند به ترجمه‌های هامرپورگشتال است - ولی روحیه آن عارف بزرگ و نغمه عشق ازلی او را به کمال وضوح برای خوانندگان غربی آشکار می‌سازد . هم در این اشعار دلکش بود که شاعر دانشمند نخستین بار طرز «غزل» را در زبان آلمانی بکار برد . سپس آنرا در آثار دیگر خود تکرار نمود تا آنجا که این طرز از شیوه‌های معروف و مقبول در ادبیات آلمانی گردید .

دو سال بعد روکرت ، شاعر دانشمندی که عشق نامتناهی مولوی را در شعر آلمانی نشانده و به هموطنان خود هدیه کرده بود ، گلدسته دیگری بنام «گللهای شرقی» نشر کرد که از دیوان حافظ شیرازی ملهم بود و ظرافت و لطافت گفتار و افکار وی را کاملاً منعکس می‌نمود . حافظ برای روکرت «هم صحبت دیرینه» ای بود که روکرت از خواندن اشعار او هیچ سیر نمی‌شد . چندین سال بعد از نشر مجموعه مزبور شاعر دانشمند آلمانی باز تقریباً هشتاد غزل و سی رباعی از دیوان شاعر شیرازی را که گوته فریفته او بود ، به نظم ترجمه کرد و این ترجمه مکمل‌ترین و معتبرترین ترجمه اشعار حافظ در زبان آلمانی است . هر چند این ترجمه نفیس فقط بعد از وفات مترجم و به دست یکی از شاگردان آن شاعر زبردست در رساله‌ای که اکنون نایاب است بطبع رسید .

شک نیست که شاهنامه فردوسی که متن فارسی آن در پیدایت قرن نوزدهم چاپ شده بود بی‌اندازه مطبوع طبع روکرت واقع شد و سالهای سال روکرت بمطالعه آن مشغول بود . در سال ۱۸۳۸ داستان مشهور «کشتن رستم سهراب را» بصورت یک قصه منظوم حزین دلنشین بزبان آلمانی انشاء کرد . پس از آن کتاب معظم فردوسی را از آغاز تا انجام بنظم فصیح آلمانی

ترجمه نمود و حواشی مفید نیز بر این اثر حیرت آور علاوه کرد. در عین آنکه بترجمه فردوسی سرگرم بود اشعار شیخ سعدی شیرازی توجه این شاعر کوشارا بخود جلب کرد و ترجمه‌های منظوم از غزلیات متفرق و قصاید گزیده سعدی را که هم از دیوان وهم از صاحبیه انتخاب کرده بود تماماً و اشعار گلستان را قسماً بنظم آلمانی در آورد. روکرت باشعار اخلاقی تمایل داشت و بدین سبب آثار سعدی را سخت می‌پسندید. لیکن همه این تراجم آبداری که این شاعر هنرمند از ادبیات فارسی فراهم کرد در مدت حیات وی بطبع نرسید. زیرا فقط نفس ترجمه کردن و شعر گفتن داشت گاهی آثار قدیم خود را فراموش می‌کرد و نسبت به ثمرات اشتغالات خود اهمال می‌ورزید. این رویه موجب آن شد که آن ترجمه‌های بی‌نظیر بعد از وفات شاعر بطبع رسید و هنوز نیز بسا نسخه‌های خطی در متروکات او میتوان یافت که نشر در انتظار اقدام عالمی زبان شناس است.

اما قسمتی از ترجمه غزلیات و قطعه‌های مولانا جامی را که از مخطوطات محفوظ در کتابخانه گوتا استنساخ کرده بود و از تراجم زیبا و دل انگیز او بشمار میرود در سالهای ۱۸۴۶ تا ۱۸۵۲ در مجلات شرق شناسی آلمانی نشر کرد. گذشته از اینها در آثار پراکنده روکرت وهم چنین در اوراقی که از وی بجا مانده است تراجم بسیار شاعرانه از اشعار حماسی نظامی یافت میشود.

این دانشمند خستگی‌ناپذیر از ترجمه اشعار محلی نیز، مثلاً دوییتی‌های گیلانی و ترانه‌های مازندرانی، غفلت ننموده است. یکی از مهمترین و مفصلترین کتابهای روکرت ترجمه و شرح باب هفتم کتاب «هفت قلزم» است که رساله‌ای فارسی در علم عروض و معانی و بیان است که در هندوستان نوشته شده و در آن معرفت روکرت بدقیقترین مسائل علم بدیع و فنون نظم نمایان می‌شود.

روکرت آن کوکب پر تور آسمان شرق شناسی و آن در فرید عقدشاعران آلمانی با ترجمه‌های خود گزیده‌ترین آثار شعر فارسی را در دسترس ملل آلمانی قرار داده است. زیبایی این ترجمه‌ها با وجود کمال دقت در حفظ معنی و رعایت صورت شعر اصلی برآستی محیر العقول است، و باید گفت تاکنون هیچ عالمی در ریز این گنبد فیروزه‌گون بایجاد نظیر آنها توفیق نیافته است.

حال اگر سؤال شود که مقصود دانشمند زبان شناس معتبری چون روکرت از این ترجمه‌های بی‌شمار چه بود می‌گوئیم مقصود او نمودن وحدت اصل نوع

بشر بود . زیرا در نظر او شعر زبانهای گوناگون دنیا بگوش مردم عارف زبان واحد است . زبانی ازلی که در ازل در فردوس خوانده اند ، نغمه‌ای ابدی که در آن احساسات جاوید مردمان را سرودماند . شناختن شعر ملی ، شناختن روح آن ملت است . تنها وسیلهٔ موثوق برای ایجاد دوستی و تفاهم میان ملتها واقوام عالم کلام شاعران است . « بدین سبب بود که روکرت طبع بلند و علم وسیع خود را برای خدمت بشعر عالم وقف کرد و بطوری که خود تأکید کرده است درهریبت فارسی یا عربی که از آن شعر نوی در زبان آلمانی بوجود می‌آورد قدم کوچکی در تحکیم تفاهم میان اقوام و ملتها می‌دید .

(از ماخذ آلمانی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی